تحلیل

فائزه‌سادات یوسفی
خبرنگار

چرا ارتش رژیم صهیونیستی در عملیات خود بی‌برنامه است

تبعات حمله زمینی به غزه

با وجود پروپاگاندای رژیم صهیونیستی برای حمله زمینی به غزه و آنچه که حذف حماس می‌نامد، بارها مقامات رژیم اشغالگر خبر از تعلل و تعلیق آن داده‌اند. در آخرین دور تعلیق، درست بعد از ناکامی حمله زمینی نیروهای زرهی به خان‌یونس، مقامات رژیم اعلام داشتند که حمله زمینی به نوار غزه مجدداً به تأخیر افتاده است. رصد شرایط موجود در سرزمین‌های اشغالی نشان می‌دهد، عوامل متعددی در سرگردانی و به تعویق انداختن حملات رژیم دخیل بوده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود؛

حمله نافرجام به خان‌یونس

روز یکشنبه، نیروهای زمینی ارتش بعد از حمله به این منطقه در دام نیروهای کمین گردان‌های قسام گرفتار شدند که بعد از تبادل آتش، مجبور شدند خودروهای خود را رها کرده و پیاده به سمت شرق حصار مرزی بگریزند. در این نبرد مستقیم، یک سرباز رژیم اشغالگر کشته و سه نفر دیگر مجروح شدند و نیروهای حماس نیز به مقرهای خود بازگشتند. به نظر می‌آید، تجربه شکست این نبرد، درس مهمی را به ارتش و اتاق جنگ عبری-غربی در رویارویی زمینی با مقاومت فلسطین آموخته باشد. شکست نیروهای زمینی ارتش اشغالگر در یک عملیات غافلگیرانه در مقیاس بسیار محدود، زنگ خطر حمله در وسعتی بزرگ‌تر را به صدا در آورده، بویژه که صهیونیست‌ها در جنگ ۳۳ روزه با حزب‌الله نشان دادند در نبرد زمینی بسیار آسیب‌پذیر و شکننده هستند. اکنون نیز کمین مستحکم و تونل‌های پیچیده گردان‌های قسام در کنار توانمندی‌های فردی و روحیه بالای نیروهای آن و برخورداری از تسلیحات پیشرفته‌ای چون پهپاد و همچنین غیر قابل پیش‌بینی بودن نوع حملات، سد بزرگی در مقابل رژیم صهیونیستی و امریکا ایجاد کرده است. علاوه برآن، وضعیت بغرنج و نابسامان درونی از یک طرف و فشارهای متنوع میدانی و دیپلماسی از طرف دیگر و گروه‌های مقاومت از سوی دیگر، تاکنون مانع هرگونه اقدام از طرف ارتش اشغالگر شده است. رژیم صهیونیستی با وجود شکست عملیاتی در شرق خان‌یونس تلاش کرد با سرپوش گذاشتن به آن، علت اصلی ورود خود به غزه را با موضوعیت اسیران حماس جایگزین کند. در همین رابطه، دانیل هاگاری سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی گفت، هدف از عملیات، جمع‌آوری اطلاعات در مورد اسیران که به گفته اسرائیل حداقل ۲۲۲ نفر هستند، بوده است. در صورتی که صهیونیست‌ها از همان روزهای اول اعلام کردند، موضوع اسرا نمی‌تواند مانع حملات به غزه شود. در این بین، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به نقل از مقامات امریکایی می‌گوید، این دولت امریکاست که به اسرائیل توصیه کرده تهاجم زمینی خود به غزه را به تعویق بیندازد، به این امید که فرصتی برای مذاکره بر سر اسرای حماس و آمادگی برای هرگونه حمله به منافع امریکا در منطقه فراهم شود.

هراس از فعال شدن جبهه‌های دیگر مقاومت و گسترش نبرد

هشدارهای گروه‌های مقاومت که هرگونه تهاجم زمینی به نوار غزه را خط قرمز خود به شمار آورده، بر هراس رژیم افزوده و زنگ خطر توسعه نبرد در منطقه را به صدا در آورده است. به این صورت، اگر نیروهای صهیونیستی به غزه بروند، حزب‌الله حملات خود را تشدید خواهد کرد که این می‌تواند تداعی‌گر شکست سهمگین جنگ ۳۳ روزه برای ارتش رژیم باشد. استراتژی مبهم گروه‌های مقاومت بویژه حزب‌الله لبنان در شمال اراضی اشغالی، بر اتخاذ هرگونه تصمیم پیش‌برنده از سوی رژیم تأثیر گذاشته، طوری که بارها مقامات امریکایی نیز به عدم ورود به جنگی در ابعاد بزرگ در این منطقه اشاره کردند. فارغ از خسارات وارده به مقرها و تجهیزات نیروهای ارتش و نظامی، تاکنون درگیری‌ها تلفات زیادی را بر ساکنان طرف مرزی لبنان در سرزمین‌های اشغالی وارد کرده است. یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، تخلیه ۱۴ محله دیگر نزدیک به مرز لبنان را تا آخر هفته تأیید کرد. این در حالی است که مردم آنجا در هیستری و ترس زندگی می‌کنند و خود داوطلبانه محیط زندگی را رها کرده‌اند.

در این بین سکوت معنادار دبیرکل حزب‌الله لبنان در ارائه برنامه نوع حمله موجب وحشت و تردید بیشتری در اتاق جنگ رژیم شده است. تنها روز یکشنبه یکی از نزدیکان این گروه گفت، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله ساعت به ساعت تحولات رویارویی را دنبال می‌کند. از این رو، امریکا و اسرائیل در رمزگشایی از نیات سیدحسن دچار مشکل و سرگردانی شده‌اند. تحلیلگران صهیونیست با استناد به این مواضع می‌گویند، رژیم باید برای بدترین سناریو آماده شود که در آن مجبور می‌شود همزمان در دو جبهه بجنگد. علاوه برآن، در تداوم حملات روزهای گذشته گروه‌های مقاومت به مراکز امریکایی و اسرائیلی در منطقه، روز گذشته پایگاه اشغالگران امریکایی در التنف و الرکبان در سوریه هدف حمله پهپادی قرار گرفتند.

در این بین موشک‌باران مقاومت فلسطین به سرزمین‌های اشغالی ادامه دارد. روز گذشته آنها مناطق بئرالسبع و مفتاحیم در اراضی اشغالی و همچنین عسقلان نزدیک نوار غزه را در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی مورد هدف قرار دادند که موجب به صدا در آمدن آژیر خطر در شهرک‌های اطراف این مناطق شد. همچنین حماس دو حمله پهپادی علیه واحدهای نیروی هوایی رژیم صهیونیستی مستقر در پایگاه هاتزریم و دیگر پایگاه نظامی آن به انجام رسانده است.

سردرگمی در طراحی تاکتیک و پشتوانه مردم غزه

اکنون رژیم صهیونیستی حتی با وجود رایزنی با ایالات‌متحده و دیگر متحدان اروپایی‌اش، در اتاق جنگ نتوانسته طرحی را برای چگونگی ورود به خاک غزه برنامه‌ریزی کند. آنچه که حتی مقامات و تحلیلگران داخلی به آن اذعان دارند این است که رژیم اکنون تنها به انتقام و فرار از چهره شکست‌خورده خود فکر می‌کند و عملاً بعد از غافلگیری در وضعیتی قرار ندارد که بتواند تصمیم بگیرد. پیش از این رسانه‌های اسرائیلی اعلام کردند، جبهه داخلی رژیم اشغالگر با تداوم حماسه قهرمانانه مقاومت فلسطین وارد وضعیت آشفتگی و هرج و مرج شده است.

تأخیر در تهاجم همچنین منعکس‌کننده شکاف فزاینده بین بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر دفاع است که خواستار درگیری با حزب‌الله است اما نخست‌وزیر با آن مخالفت می‌کند.

از طرفی، آشفتگی در اتاق فکر رژیم به حدی است که حتی رژیم هیچ دلیل عامه‌پسندی را برای افکار عمومی داخلی خود در دست ندارد و تنها به ایجاد فضای مذاکره برای آزادی اشاره می‌کند. این در حالی است که پیش‌تر کشته شدن اسرا توسط موشک‌باران خود را توجیه کرده بودند. در عوض تشنج موجود در جبهه رژیم، ثبات و حتی تقویت اراده مردم غزه بر پشتیبانی از حماس به‌رغم فشارهای چندوجهی برای دست کشیدن از آن، مانعی جدی برای ورود ارتش شده است. در مجموع، عوامل فوق توانسته محاسبات دشمن را تا حد زیادی تحت‌الشعاع قرار دهد و رفتارهای جسته و گریخته و بدون برنامه رژیم نیز نشان از تردیدهای عمیق در طرح‌ریزی عملیاتی آن می‌دهد.

عجز سازمان‌های قضایی جهان در تأدیب رژیم نامشروع تل‌آویو

شباهت آشکار جنایات صهیونیست‌ها با نسل‌کشی صرب‌ها

تحلیل روز - ۱

رفیق هادزیچ، روزنامه‌نگار و کارشناس ارشد حقوق قضایی از کشور بوسنی
مترجم: وصال روحانی

بین جنایات دو هفته اخیر صهیونیست‌ها در نوار غزه و نسل‌کشی‌های روی داده در بوسنی طی دهه ۱۹۹۰ تشابه‌های آشکاری وجود دارد و البته بعضی تفاوت‌ها هم هست که موجب تأسف ناظران جهانی می‌شود. یکی از تشابه‌ها ناراحتی روحی شدیدی است که پس از دیدن رنج عظیم مردم غزه در پی کشتارهای بی‌رحمانه صهیونیست‌ها در وجود هر انسانی مأوی می‌گیرد و دل هر بیننده‌ای را در سطح جهان به درد می‌آورد. رژیم نامشروع تل‌آویو پس از وارد شدن ضربات مرگبار حماس به این رژیم، دست به یک کشتار دسته‌جمعی بدون منطق در نوار غزه زده که آمار شهدای فلسطینی را به‌رقم بیش از پنج‌هزار نفر رسانده است و چه چیزی تأسف‌آورتر از اینکه نزدیک به ۳ هزار نفر از قربانیان زن و کودک بوده‌اند.

از دلگرمی‌ها تا ناامیدی‌ها

صرب‌های بوسنی در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ هر جنایت قابل‌تصوری را در حق مسلمانان این کشور اعمال کرده و صحنه‌های دلخراشی را آفریدند و میزان قساوت آنها چندان کمتر از بی‌رحمی صهیونیست‌ها در جریان «طوفان‌الاقصی» نبوده و با وجود این شاید در بوسنی برخی دلگرمی‌ها پس از فروکش کردن جنایات صرب‌ها تحقق یافته باشد. بعد از پایان یافتن نسل‌کشی‌ها در بوسنی سازمان‌های بین‌المللی قضایی و کیفری به درخواست مردم ستم‌دیده بوسنی به جنایات صرب‌ها رسیدگی کرده و اغلب آنها را به سزای اعمال غیرانسانی خود رساندند. طوری که کمتر مجرمی شریک در آن نسل‌کشی بی‌شرمانه توانست از سیستم قضایی و کیفری دایر در اروپا در امان بماند. امروزه اما کوچک‌ترین تضمینی وجود ندارد که قاتلان صهیونیست و کودک‌کش‌های تل‌آویوی به سزای اعمال ننگینی برسند که در روزهای پس از وزیدن طوفان‌الاقصی در نوار غزه و کرانه غربی انجام داده‌اند و هدف‌شان از این اقدامات، جبران شکست بزرگی بوده که سازمان حماس و جنبش جهاد اسلامی در روزهای نخست عملیات الاقصی به طرف صهیونیستی تحمیل کردند و شوک ناشی از آن پس از گذشت ۱۷ روز از شروع این عملیات هنوز در سرزمین‌های اشغالی قابل رؤیت و حس کردن است.

قطعنامه‌هایی که وتو می‌شود

آنچه در مورد جانیان صرب شکل گرفت، به هیچ روی در سرزمین‌های اشغالی برای نسل‌کش‌های صهیونیستی روی نخواهد داد زیرا امریکا پشتیبان اسرائیل است و هرگونه قطعنامه‌ای که علیه رژیم جعلی تل‌آویو صادر شود را بی‌اثر می‌کند و این قضیه با وتو شدن اولین قطعنامه سازمان ملل درخصوص لزوم برقراری آتش‌بس فوری در غزه توسط امریکا در روزهای اخیر در نیویورک شکل گرفت. به واقع پنتاگون با تجهیز نظامی اسرائیل و کمک آشکار به این رژیم برای کوبیدن هرچه بیشتر غزه، در تحقق هدف عبث و موهوم صهیونیست‌ها که کشتن هر چه بیشتر فلسطینی‌ها به قصد تحت‌الشعاع قرار دادن شکست عظیم سیاسی- نظامی تل‌آویو در جریان طوفان‌الاقصی بوده، نقش و سهم بارزی داشته است. وقتی صحبت از نسل‌کشی‌های صورت گرفته در منطقه بالکان واقع در مرکز اروپا در اواسط دهه ۱۹۹۰ می‌کنیم، باید حتماً به توجیه‌هایی اشاره کنیم که هر دو طرف ظالم چه در بوسنی و چه اینک در غزه در مورد مظلومان و چرایی به شهادت رساندن آنها بیان داشته و با آن سعی در فریفتن افکار عمومی داشته‌اند.

همان توجیه‌های دروغین

ارتش متجاوز صربستان برای اینکه نشان بدهد کشتار مسلمانان بوسنی بی‌دلیل نبوده و مانع به چشم آمدن این پاکسازی قومی اسفبار شود، دائماً عنوان می‌کرد که مسلمانان این منطقه مردمان آرامی نیستند و برعکس جنگ‌طلب و تنش‌آفرین هستند و قصد براندازی صرب‌ها را چه در خاک بوسنی و چه در تمامی گستره سرزمین مادری صرب‌ها (یوگسلاوی سابق که پس از متلاشی شدن به ۶ کشور مستقل تبدیل شد) دارند و در نتیجه آنچه می‌کنند، از میان برداشتن مُشتی تروریست است. امروز همان توجیه‌های دروغین از سوی رژیم آپارتاید تل‌آویو درخصوص نحوه برخورد با فلسطینی‌های حق‌طلب ارائه می‌شود و اسرائیلی‌ها به جای پذیرفتن علل مستدل قیام اخیر رزمندگان فلسطینی، آنها را مُشتی تروریست و هرج‌ومرج‌طلب می‌نامند که برای رسیدن به آمال‌شان از هیچ حرکت رادیکالی‌ای ابا ندارند و ناامنی‌های منطقه محصول عملیات دائمی آنها است.

حمله ۷ اکتبر حماس ضعف اطلاعاتی و دفاعی رژیم صهیونیستی را آشکار کرد

پایان افسانه شکست‌ناپذیری تل‌آویو

تحلیل روز - ۲

شمس‌الدین شیتو، وزیر حمل و نقل و انرژی‌های تجدیدپذیر الجزایر
مترجم: راضیه خوئینی

دیوید بن گوریون، اولین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی زمانی گفته بود: «اگر یک رهبر عرب بودم، هرگز هیچ توافقنامه‌ای با اسرائیل امضا نمی‌کردم، این یک امر طبیعی است. ما کشورشان را از آنها ربوده‌ایم.»

روز ۷ اکتبر، حمله برق‌آسای حماس به کشته و زخمی شدن صدها اسرائیلی منجر شد؛ رخدادی که مانند یک شوک الکتریکی برای رژیم صهیونیستی بود؛ رژیمی که بیهوده تصور می‌کرد توسط گنبد آهنین محافظت کامل می‌شود! موشک‌ها عبور کردند و مبارزان حماس توانستند دیوار آهنین را در هم بشکنند. این حمله طبیعتاً توسط غرب محکوم شد اما اسرائیل فهمید آسیب‌پذیر است. پس خشم جای خود را به قتل عام مردم بی‌گناه داد و بسیاری از سیاستمداران غربی پیشنهاد ریشه‌کن کردن حماس را دادند.

در این میان متوجه غیبت اعرابی می‌شویم که به بهانه عصبانیت از حماس سکوت اختیار کرده‌اند، با این استدلال که بسیاری از مردم غزه برای زنده نگه داشتن آرمان فلسطین طی ۱۰۰ سال دیگر شهید خواهند شد. مردم فلسطین آسیب خواهند دید، ولی این مشکلی را حل نمی‌کند. ۱۰۰ سال دیگر ما هنوز درباره فلسطین صحبت خواهیم کرد، اما این مردم می‌خواهند آزاد باشند و در صلح زندگی کنند.

برای این امر، اسرائیل باید بپذیرد، نمی‌تواند حتی به قیمت فداکاری غیراخلاقی فرزندانش به نقض نظم اخلاقی ادامه دهد، مانند آنچه که در ماجرای قلعه ماسادا رخ داد؛ جایی که محاصره‌شدگان یهودی به جای پذیرفتن شکست مقابل رومیان، دسته جمعی خودکشی کردند.

دوره‌ای تهاجمی

حماس ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۶ صبح به سرزمین‌های اشغالی حمله کرد؛ عملیاتی به مناسبت پنجاهمین سالگرد «جنگ اکتبر ۱۹۷۳» (یوم کیپور) که طی آن مبارزان فلسطینی سوار بر وسایل نقلیه، قایق‌ها و حتی پاراگلایدرهای موتوری به مناطق شهری اسرائیل از جمله اشکلون، سدیروت و اوفاکیم نفوذ کردند. حماس در حمله ۷ اکتبر، تجهیزات نظامی را تصرف کرد و صهیونیست‌ها را گروگان گرفت. به گفته رژیم صهیونیستی «بیش از ۲۰۰ اسیر» به دست حماس گروگان گرفته شدند. ارتش صهیونیستی بیش از ۵۰۰۰ گلوله فلسطینی را شمارش کرد و با حملات هوایی پاسخ داد و ساختمان‌های مرتبط با حماس در غزه را ویران کرد.

به گفته لویی ایمبرت: «حماس می‌تواند به خود ببالد که با موفقیت، مرگبارترین عملیات جنگی علیه رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۴۸ را انجام داده است. حماس در عرض چند ساعت به همه اهداف عملیاتی خود دست یافت و توانست به ۲۹ نقطه از «دیوار امنیتی» که غزه را احاطه کرده، نفوذ کند. این جنبش، دولت صهیونیستی را از اعتماد بیش از حد به ساختار گرانقیمت خود که مجهز به فناوری‌های پیشرفته است، بازداشت؛ ساختاری که پس از درگیری سال ۲۰۱۴، از اکثر نفوذها حتی از طریق تونل‌ها جلوگیری کرده بود. حماس توانست تجهیزات و تدارکات عملیاتی خود را که لزوماً طولانی و پیچیده بود، از سازمان اطلاعاتی اسرائیل پنهان کند. این عملیاتی قدرتمند در محدوده کوچکی به طول ۵۰ کیلومتر بود که تحت محاصره کامل صهیونیست‌ها قرار دارد؛ جایی که ۲ میلیون فلسطینی در کنار هم زندگی می‌کنند.

وضعیت انتقاد از اسرائیل در اروپا

انتقاد از رژیم صهیونیستی در کشورهای غربی از جمله فرانسه غیرممکن است و متحمل اتهامات و مجازات‌هایی خواهد شد. در واقع رژیم صهیونیستی در جهان توسط شبکه‌ای گسترده پشتیبانی می‌شود. از جمله در ایالات متحده توسط کمیته روابط عمومی امریکا-اسرائیل موسوم به ایپک، در بریتانیا، آلمان و معروف‌تر از همه در فرانسه تحت عنوان کریف (شورای نمایندگی نهادهای یهودی). با این حال بسیاری از یهودیان در کشورهای اروپایی از جمله فرانسه از رژیم صهیونیستی انتقاد می‌کنند و حامی صلح هستند. اما کریف از سیاست اسرائیل حمایت بی‌قید و شرط می‌کند و فرانسویان منتقد، متهم به حمایت از نابودی اسرائیل و یهودستیزی می‌شوند که مجازات‌هایی همچون زندان و جریمه نقدی دارد. بنابراین شاهدیم که در کشورهای غربی امکان برگزاری تظاهرات در حمایت از اسرائیل ممکن است اما در حمایت از فلسطینی‌ها جرم به شمار می‌آید.

تخریب شکست ناپذیری اسرائیل

از نظر تیری میسان، نویسنده کتاب ۱۱ سپتامبر؛ «درگیری خونینی که پس از ۷۵ سال بی‌عدالتی در فلسطین آغاز شد، مرگبار و ناعادلانه خواهد بود. از منظر حقوق بین‌الملل، فلسطینی‌ها حق و وظیفه دارند در برابر اشغالگری اسرائیل مقاومت کنند، همان‌طور که اسرائیلی‌ها حق و وظیفه خود می‌دانند تا به این حمله پاسخ دهند. نتانیاهو، نخست‌وزیر صهیونیستی اعلام کرد که اسرائیل در حال جنگ است زیرا صهیونیست‌ها برای اولین بار در سرزمین‌های اشغالی هدف حمله قرار گرفتند. این جنگی بسیار مرگبار و نامحدود خواهد بود. اسرائیل می‌تواند نظم را به نفع خود بازگرداند، اما هرگز نمی‌تواند پیروز شود.»

عملیات کنونی ترکیبی از یک موشک‌باران وسیع با هدف زمینگیر کردن گنبد آهنین و ۲۲ حمله زمینی به خاک اراضی اشغالی بود. برای اولین بار در فلسطین، مراکز فرماندهی اسرائیل هدف قرار داده شدند. هدف از گروگان گیری‌ها این است تا بتوانند درباره ۱۲۵۶ زندانی فلسطینی مذاکره کنند. نفوذها از طریق زمین، دریا و هوا (با میکرولایت) صورت گرفت. اسرائیل موفق به شناسایی موشک‌ها شد، اما قادر به نابود کردن همه آنها نبود. حداقل ۳۰۰۰ راکت از ۷۰۰۰ شلیک را خنثی کرد. شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های تلویزیونی عربی نشان دادند که حماس چندین تانک و پاسگاه مرزی در غرب باریکه غزه را تصرف کرده است. این عملیات دست‌کم ۱۵۰۰ کشته و ۳۴۰۰ زخمی در طرف اسرائیلی برجای گذاشت.

چگونه به اینجا رسید؟

تیری میسان ادامه می‌دهد: آنچه در حال رخ دادن است، نتیجه ۷۵ سال ظلم و نقض قوانین بین‌المللی است. ده‌ها قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط اسرائیل نقض شده است، بدون اینکه هیچ تحریمی علیه این رژیم اعمال شود. اسرائیل رژیمی بی‌قانون است که از فساد و ترور تقریباً همه رهبران سیاسی فلسطین دریغ نکرده و تعمداً از توسعه اقتصادی در سرزمین‌ها جلوگیری کرده و به ظاهر از ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی که تحت کنترل خودش باشد، حمایت می‌کند. ناامیدی و رنج انباشته شده در برخی فلسطینی‌ها در طول ۷۵ سال آنها را به ستوه آورده تا دست به اقداماتی زنند که از این شرایط و آنچه که حاصل رفتارهای خشونت‌آمیز ظالمانه و رها شدن توسط جامعه بین‌المللی برای مدتی طولانی است، رها شوند. راه خروجی از وضعیت فعلی برای هر دو اردوگاه وجود ندارد. اسرائیل پس از سه چهارم قرن جنایت، دیگر نمی‌تواند ادعای زیادی داشته باشد و اکنون جمعیت آن دچار شکاف شده است. طی ماه‌های گذشته، «صهیونیست‌های نفی‌گرا»، یعنی پیروان ولادیمیر ژابوتینسکی اوکراینی که طرفدار برتری‌گرایی یهودی بودند، علی‌رغم مخالفت اکثریت مردم و تظاهرات‌های گسترده در تل‌آویو قدرت را در دست گرفتند. جوانان آنها که آرزوی زندگی در صلح را دارند، از خدمت در ارتشی که به اعراب ظلم می‌کند، امتناع می‌ورزند، اما همچنان به آنها می‌پیوندند تا از خانواده و سرزمین خود دفاع کنند. این در حالی است که به آنها اعتقادی ندارند. مدت ۷۵ سال، تل آویو تمام تلاش خود را برای انکار برابری برای همه، چه یهودی و چه عرب، انجام داده است. نتانیاهو در مواجهه با آنچه که تهاجم فلسطینی می‌نامد، وعده پیروزی داده است. اما منظورش چیست؟ درواقع کشتن تمام مبارزان حماس، بی‌عدالتی ۷۵ ساله را حل نخواهد کرد. زیرا فرزندانشان مشعل آنها را به دست خواهند گرفت، همان‌طور که خودشان مشعل پدرانشان را در دست گرفتند.

به عقیده تیری میسان، ترکیه نیز درگیر این نبرد خواهد بود؛ چرا که رئیس‌جمهور ترکیه با بیرون آمدن از سایه، در ۸ اکتبر خواستار اعمال قطعنامه‌های شورای امنیت درباره فلسطین شد. رجب طیب اردوغان روز یکشنبه ۸ اکتبر در مراسم افتتاح کلیسای ارتدکس سریانی اعلام کرد: «ایجاد آرامش، صلح پایدار و ثبات در منطقه از طریق حل مسأله فلسطین

زندگی کودکان غ